



رویه‌های حقوقی مبارزه با پول‌شویی

سیدمحمد مهدی ساداتی^۱

پروفسور، شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز: Email: mohamad.sadati@yahoo.com

چکیده

جرم دارای منافع مادی برای مرتکبان آن است. لذا یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرایم، به‌ویژه جرایمی که دارای منافع اقتصادی مستقیم بوده و یا جرایمی که به‌صورت سازمان‌یافته انجام می‌گیرند، به‌خطر انداختن امنیت اقتصادی فعالیت‌های مربوط به این جرایم است. ازجمله راهکارهای این امر، سخت نمودن جریان درآمدهای ناشی از جرایم و فعالیت‌های مجرمانه در نظام پولی و مالی است. لذا به‌دلیل پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی، در بررسی فعالیت‌های مظنون به پولشویی، اصل بر مجرمیت قرار گرفته است و نه براءت. بنابراین، افراد باید آماده اثبات این امر باشند که درآمدهای خود را از طریق قانونی به‌دست آورده‌اند. تحولات قوانین مبارزه با پولشویی، مؤید پیموده شدن این مراحل در کشورهای مختلف می‌باشد، چراکه بدون طی این مراحل، مبارزه با پولشویی مؤثر نخواهد بود. عدم مبارزه کارآمد با پولشویی در ایران، ناشی از عدم الگوبرداری صحیح از مبارزه با پولشویی در کشورهای پیشرو در این زمینه است. مضافاً به اینکه، دیدگاه فقهی ناظر به اصل اباحه، اثبات دعاوی مربوط به پولشویی را غیرممکن ساخته است.

کلیدواژه‌ها: امنیت اقتصادی، پیشگیری از قاچاق، پولشویی، جرم منشأ، قاچاق کالا.

مقدمه

پولشویی، پنهان کردن منشأ غیرقانونی درآمدهای حاصل از دستکاری‌های مالی (financial manipulation)، تجارت مواد مخدر، تقلب، ثروت ناشی از فساد، و دیگر جرایم، یه وسیله بازگرداندن آن به چرخه مالی اقتصاد قانونی است (Unger, 2014: 3137). بسیاری از کشورها پولشویی را به عنوان پدیده‌ای مجرمانه تلقی کرده و برای مرتکبان آن مجازات تعیین نموده‌اند. البته توجه کشورها به این مسئله یکسان نبوده و بستگی به گسترش پولشویی، میزان تأثیر آن و امکانات هر کشور دارد. در این نوشتار، رویکرد تقنینی نظام‌های حقوقی چندین کشور پیشرو در زمینه جرم‌انگاری پولشویی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبارزه با پولشویی ناشی از جرایم اقتصادی مانند قاچاق کالا و ارز، از این جهت اهمیت دارد که مجرمین اقتصادی با ارزیابی سود اقتصادی ناشی از فعالیت مجرمانه خود، به ارتکاب آن دست می‌زنند. لذا اگر سود جرم پایین و هزینه ارتکاب آن، بالا باشد، مجرم اقتصادی در انجام جرم، دچار تردید و دودلی شده و در نتیجه از انجام آن منصرف خواهد شد. بنابراین، با لحاظ محاسبه‌گری مرتکبین جرایم اقتصادی، مبارزه مؤثر با پولشویی این فعالیت‌ها می‌تواند در کاهش این جرایم تأثیرگذار باشد. در این میان، استفاده از تجربه تقنینی سایر کشورها مفید خواهد بود.

۱. انگلستان

در انگلستان که دیر زمانی است پولشویی در آن ظهور یافته و بانک‌ها و مؤسسات مالی به کرات مورد سوءاستفاده بزهکاران برای پنهان کردن منشأ پول‌های نامشروع قرار گرفته‌اند، پارلمان این کشور قوانینی را برای مبارزه با این پدیده وضع نموده است. قانون سال ۱۹۶۸ در رابطه با اموال مسروقه (عواید حاصله از سرقت و شخص معامله‌کننده اموال مسروقه)، «قانون راجع به قاچاق مواد مخدر مصوب سال ۱۹۸۶»^۱

1. Drug Trafficking Offences Act (1986)

(که از جمله کمک به نگهداری و کنترل عایدات ناشی از قاچاق مواد مخدر، به کار بردن عایدات مذکور برای تأمین مالی همان قاچاقچی یا سرمایه‌گذاری برای وی از طریق خرید املاک را جرم تلقی نموده است)، «قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۸۸»^۱ (به موجب آن، اگر شخصی به هر نحو موجبات نگهداری یا هدایت و کنترل وجوه متعلق به تروریست‌ها را به طریق اختفاء، خارج ساختن از حوزه قضایی، انتقال به افراد مشخص یا... فراهم سازد، مجرم شناخته می‌شود)، قانون عدالت جزایی و قانون پولشویی سال ۱۹۹۳ (اصلاحی ۲۰۰۱) و بخش هشتم از قانون بازار و خدمات مالی (مصوب ۲۰۰۰ م.) از جمله قوانین مختلفی هستند که در انگلستان وجود داشته و برای مبارزه با پولشویی مقررات مشخصی را وضع نموده‌اند (Alexander, 2016: 77). به موجب قانون اخیر، حتی اطلاع ندادن به مقامات دولتی از وقوع پولشویی و یا افشاء اینکه تحقیقاتی برای کشف پولشویی در جریان است - به نحوی که تأثیر منفی در تحقیقات داشته باشد - جرم تلقی می‌شود.

تا سال ۱۹۹۳ که قانون جدید عدالت کیفری تصویب شد و قانون سال ۱۹۸۸ را اصلاح کرد، مقررات حاکم بر جرم پولشویی کلیه اشکال عمل را دربر نمی‌گرفت. طبق قانون جدید عدالت کیفری، هرکس در ترتیباتی مشارکت کند که هدف آن قادر ساختن شخص دیگری به حفظ کنترل بر عواید حاصل از عمل جنایی باشد، مجرم شناخته می‌شود، خواه این عواید را در دسترس آن شخص بگذارد و خواه از طرف وی آن را برای تحصیل درآمد به سرمایه‌گذاری اختصاص دهد، آن هم در حالی که می‌داند آن شخص دیگر مرتکب عملی جنایی شده است یا از عملی جنایی منتفع می‌شود.

لیکن چنانچه متهم ثابت کند که نمی‌دانسته یا آگاهی کامل نداشته که ترتیبات مزبور به عواید عملی جنایی مربوط می‌شده، یا شخص دیگری را قادر به کنترل عواید حاصل از عمل جنایی می‌ساخته یا عواید مزبور را در دسترس آن شخص قرار می‌داده یا به واسطه سرمایه‌گذاری از طرف او برای وی کسب دارایی می‌کرده، یا قصد افشاء

1. Criminal Justice Act (1988)

جزئیات مربوط به ترتیبات انجام شده را نداشته، یا قصورش در افشاء امر به واسطه عذر موجهی بوده است، اعمالش مجرمانه شناخته نخواهد شد.

همچنین، در این قانون جهت حمایت از حقوق اشخاصی که گام‌های مؤثری برای افشاء پولشویی نزد پلیس یا مقامات ذیصلاح دیگر برداشته باشند، ترتیباتی گنجانده شده است. در عین حال، هر شخصی که به منظور فرار از تعقیب قضایی یا صدور و اجرای حکم توقیف اموال، دست به پنهان‌کاری یا پوشش‌داری‌هایی بزند که جزء عواید ناشی از عمل جنایی وی باشد یا به تبدیل و انتقال این دارایی‌ها مبادرت ورزد، مجرم شناخته خواهد شد.

همین‌طور، پنهان‌کاری و پوشاندن هر نوع دارایی که جزء عواید حاصل از عمل جنایی شخص دیگری باشد یا تبدیل و انتقال این دارایی‌ها به منظور کمک به آن شخص برای فرار از تعقیب قضایی یا صدور و اجرای حکم توقیف، جرم محسوب می‌شود.

۲. چین

یک نگاه اجمالی به قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و معیارهای اداری نشان می‌دهد که جمهوری خلق چین در ارتباط با ساختار قانونی مبارزه با پولشویی با شناسایی آن به عنوان یک جرم تحت قانون کیفری، شروع خوبی داشته است.

طبق ماده ۱۹۱ قانون کیفری (ششمین متمم قوانین کیفری که در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ اصلاح شد) هر شخصی که از روی عمد وارد پولشویی مبالغ کسب شده از راه ارتکاب به ۷ جرم (خرید و فروش مواد مخدر، ارتکاب جرایم به‌وسیله گروه‌های مجرم سازماندهی شده، مبادله قاچاق، جرائم تروریستی، فساد مالی و رشوه‌خواری، اختلال در نظام مالی یا کلاهبرداری مالی) شود را می‌توان به علت ارتکاب به جرم پولشویی مجازات نمود.

بلافاصله پس از تصویب این ماده قانونی، مجموعه‌ای از مقررات اداری و مالی وضع گردید که سیستمی را معرفی کرد که در آن اشخاص برای حساب‌های خود ملزم به

اعلام نام واقعی خود می‌شدند. این کار به منظور شناسایی همه‌جانبه نظیر مدیریت سیستم یازرسی و تحقیق از حساب‌های بانکی، گردش‌های نقدی با حجم زیاد و سایر عملیات معمول بانکی صورت می‌گیرد. همه این موارد برای ردیابی معاملات بزرگ و انتقال وجوه، در جهت تعقیب عملیات پولشویی طراحی شده‌اند.

در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۶ نیز قانون ضدپولشویی جمهوری خلق چین^۱ تصویب و در ژانویه ۲۰۰۷ اجرایی گردید. قانون ضدپولشویی، اولین سند قانونی مهمی است که قوانین و مسئولیت ضدپولشویی را نسبت به مؤسسات به طور منظم تکلیف می‌نماید.

۳. سوئیس

در سوئیس که شدیداً بر حفظ اسرار بانکی تأکید دارد، مبارزه با پولشویی چندان مورد توجه واقع نشده است، زیرا انجام معاملات بانکی همواره سود هنگفتی برای مؤسسات مالی و بانکی این کشور به همراه آورده است. به عبارت دیگر، مؤسسات مذکور بیشتر به جلب سرمایه‌گذاری و جمع‌آوری وجوه توجه دارند تا به منشأ وجوه مورد معامله یا واریز شده به حساب‌ها. با این حال، کمیسیون بانکداری دولت مرکزی سوئیس صریحاً بانک‌ها را از پذیرش وجوه ناشی از اعمال مجرمانه و غیرقانونی منع نموده و مسئولان و کارکنان متخلف را قابل پیگرد قانونی دانسته است؛ البته بی‌اطلاعی مسئولان از غیرقانونی بودن منشأ پول‌ها موجب رفع مسئولیت آن‌ها می‌باشد.

در پاسخ به این انتقاد که خدمات و سرویس‌های مالی توسعه‌یافته در سوئیس فاقد محدودیت‌های قانونی و مقررات امنیتی و سخت‌گیرانه بانکی هستند و از این‌رو این کشور به محل امنی برای حفظ عواید ناشی از فعالیت‌های جنایی و غیرقانونی تبدیل شده است، دولت سوئیس اقداماتی را به منظور محدود کردن فعالیت‌های مربوط به پولشویی اتخاذ کرده است. از جمله اقدامات بین‌المللی که با مشارکت دولت سوئیس انجام شده، می‌توان به تشکیل نیروی ویژه اقدامات مالی اشاره کرد که در سال ۱۹۸۹

1. Anti-Money Laundering Law of the People's Republic of China

توسط کشورهای گروه ۷ به منظور اتخاذ تدابیری برای مقابله با پولشویی تشکیل شده است. این نیروی ویژه در مجموع ۴۰ پیشنهاد برای نحوه عمل ملی و بین‌المللی ارائه داده که اقدامات اتخاذ شده توسط سوئیس به منظور مقابله با پولشویی بیشتر مبتنی بر همین پیشنهادها بوده است.

به موجب قانون کیفری فعلی در سوئیس، هرکس از شناسایی منبع دارایی‌ها یا کشف و توقیف دارایی‌هایی جلوگیری کند که می‌داند یا می‌داندسته از فعالیت‌های مجرمانه حاصل شده است، مجرم شناخته می‌شود. در قانون سوئیس این فعالیت‌های مجرمانه، بسیاری از جرائم جدی نظیر دزدی، سرقت به عنف، کلاهبرداری، اخاذی، آدم‌ربایی و البته قبول رشوه توسط مأموران دولتی را شامل می‌شود. همچنین، جرم ارتكابی در سوئیس قابل مجازات خواهد بود، حتی اگر جرم اصلی در خارج از کشور ارتكاب یافته باشد، البته مشروط به اینکه مجموعه اوضاع و احوال تشکیل‌دهنده جرم اصلی هم به موجب قانون سوئیس و هم به موجب قانون خارجی جرم باشد. مقررات کیفری سوئیس، قبول امانت‌داری، کمک به سرمایه‌گذاری یا انتقال سرمایه‌های شخص ثالث توسط واسطه‌های مالی را که با وجود قراین هشداردهنده بدون شناسایی هویت مالک اصلی صورت گرفته باشد، جرم می‌شناسد. در پی اصلاحات به‌عمل آمده در مارس ۱۹۹۴، این قانون به اشخاص مربوطه حق می‌دهد مقامات اجرایی را از شواهد موجود این ظن که سرمایه‌ها دارای منبع جنایی است، مطلع سازند.

در اکتبر ۱۹۹۷، قانون مقابله با پولشویی در سوئیس به تصویب رسید. هدف از این قانون مبارزه با پولشویی و تضمین سطح مناسبی از احتیاط در معاملات مالی است. این قانون برخی اقدامات بین‌المللی اتخاذ شده برای مبارزه با پولشویی را نیز در خود منظور کرده است. به علاوه، قانون مذکور از جهاتی مکمل قوانین موجود سوئیس از جمله مقررات کیفری آن است.

نخست اینکه، مطابق این قانون، واسطه‌های مالی موظف هستند هرگونه آگاهی یا ظن به انجام فعالیت‌های جنایی را که در جریان روابط تجاری خویش با مراجعین به

دست می‌آورند، گزارش کنند. وکلا و سردفتران رسمی از این قاعده مستثنی هستند، مگر آنکه در شرایطی ویژه از وجود فعالیت‌های جنایی آگاه شوند یا چنین ظنی پیدا کنند. دوم، در کنار تعهد به گزارش دهی، این قانون واسطه‌های مالی را موظف به مسدود کردن دارایی‌هایی می‌کند که موضوع گزارش هستند. هدف از این اقدام، جلوگیری از ناپدید شدن سرمایه‌هایی است که ظن آن می‌رود جزء عواید ناشی از فعالیت‌های مجرمانه باشند. مسدود کردن سرمایه‌ها بیش از پنج روز تجاری طول نخواهد کشید و پس از سپری شدن آن، دارایی‌ها خود به خود آزاد خواهند شد، مگر آنکه مقامات اجرایی تصمیم به مداخله بگیرند. سرانجام، این قانون حاوی مقرراتی است موسوم به «مشتري خود را بشناس»^۱ که برای پیشبرد اجرای قواعد و مقررات مبارزه با پولشویی منظور شده است.

۴. آمریکا

نخستین کشوری که در قوانین ملی خود، پولشویی را به‌عنوان یک جرم جزایی به رسمیت شناخت، ایالات متحده آمریکا بود. به غیر از «قانون رازداری بانکی مصوب سال ۱۹۷۰»^۲ که با وجود مرتبط بودن آن با پولشویی، متضمن جرم‌انگاری این پدیده نبوده است، «قانون کنترل پولشویی مصوب سال ۱۹۸۶»^۳ نخستین قانون موضوعه در کشور آمریکاست که به صراحت تطهیر عواید حاصل از برخی جرایم مثل قاچاق مواد مخدر را جرم انگاشته است.

آمریکا از اولین کشورهایی است که سعی نمود با وضع قوانین خاصی دامنه مبارزه با پولشویی را به جرایمی غیر از قاچاق مواد مخدر نیز تسری دهد؛ برای مثال، قانون حفظ اسرار بانکی در سال ۱۹۷۰، در رابطه با حفظ و گزارش اطلاعات، همه بانک‌ها را ملزم به رعایت و اجرای برنامه‌های ضدپولشویی نموده است. همچنین

1. Know Your Customer
2. Banking Secrecy Act (1970)
3. Money Laundering Control Act (1986)

به موجب قانون کنترل پولشویی سال ۱۹۸۶، مقررات جزایی برای پولشویی در نظر گرفته شده است. مثلاً اگر یک بانک معامله‌ای را بدون شناسایی منبع غیرقانونی واقعی وجوه مربوط انجام دهد، در حالی که می‌بایستی عرفاً به آن شک می‌کرده، ممکن است مقصر تلقی شود. قانون سال ۱۹۸۸ کلیه صرافان و بنگاه‌های معاملات املاک یا اتومبیل و حتی وکلای دادگستری را مکلف نموده که معاملات بیش از ۱۰,۰۰۰ دلار را گزارش نمایند. به علاوه، به موجب قانون مالیات‌های آمریکا، درآمدهای بیش از ۱۰,۰۰۰ دلار در یک یا چند سال مرتبط باید به اداره مالیات گزارش شوند. بالاخره، متعاقب وقایع سپتامبر ۲۰۰۱، مقررات سختی درباره تروریسم وضع شد و با توجه به اینکه تحقیقات نشان داد برای تأمین منابع مالی عملیات تروریستی مذکور از مؤسسات مالی و بانک‌ها استفاده شده، الزامات و محدودیت‌هایی برای اینگونه مؤسسات ایجاد گردیده است.

تذکر این نکته لازم است که مقررات مندرج در قسمت سوم قانون ضدتروریسم که به طور خاص ناظر بر مسئله پولشویی است، در واقع قبل از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طراحی شده بود و از یک سو از قانون کنترل پولشویی ۱۹۸۶ و از سوی دیگر از قانون حفظ اسرار بانکی سال ۱۹۷۰ - البته با تغییراتی - نشأت گرفته است.

قانون ضدتروریسم در سال ۲۰۰۱ که متعاقب وقایع سپتامبر ۲۰۰۱ وضع شده است، متضمن مقررات شدیدی برای مبارزه با تروریسم از طریق مبارزه با پولشویی و تأمین مالی اقدامات تروریستی می‌باشد. در مقدمه مقررات مذکور اهداف قانون چنین مشخص شده‌اند: افزایش قدرت اقدامات ایالات متحده آمریکا در پیشگیری و تعقیب پولشویی و تأمین مالی تروریسم؛ اطمینان از اینکه معاملات و روابط مالی خلاف مقررات قانونی نیستند، و تقویت مقررات پولشویی سال ۱۹۸۶ خصوصاً در رابطه با جرایم اتباع و مؤسسات مالی خارجی.

۱. وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر، به امنیتی شدن دولت‌های لیبرال به ویژه در حوزه اقتصاد منجر شد. برای مطالعه بیشتر نک به: (شاملو، مرادی، ۱۳۹۲)

مقررات قسمت سوم قانون مبارزه با تروریسم، الزامات و نظارت‌های خاصی را بر بانک‌ها و مؤسسات مالی آمریکایی مقرر می‌دارند، به نحوی که مؤسسات مالی کشورهای دیگر نیز عملاً موظفند در معاملات خود با مؤسسات آمریکایی این مقررات و الزامات را رعایت نمایند و تعهداتی را در رابطه با کنترل عملیات مالی مشتریان خود بپذیرند. در ادامه، به بررسی بخشی از این مقررات پرداخته می‌شود.

به خزانه‌داری آمریکا اختیار داده شده که در موارد مشکوک به پولشویی (Chatain, 2010: 34)، مؤسسات مالی داخلی آمریکا را ملزم کند که در جریان روابط مالی و بانکی خود با کشورهای خارجی و مؤسسات فعال در خارج از آمریکا، معاملات انجام شده در خارج از آمریکا و برخی انواع حساب‌های بانکی اقداماتی از این قبیل را به عمل آورند:

حفظ سوابق و گزارش برخی معاملات^۱، ارائه اطلاعات مربوط به مالکیت منافع حساب‌های مفتوحه یا نگهداری شده برای شخص خارجی یا نماینده وی در آمریکا^۲، ارائه اطلاعات مربوط به برخی حساب‌های ویژه و برخی حساب‌های کارگزاری. همچنین خزانه‌داری می‌تواند محدودیت‌هایی را برای افتتاح یا نگهداری چنین حساب‌هایی پیش‌بینی نماید.^۳

در رابطه با تشخیص کشورها، مؤسسات، حساب‌ها یا معاملات مشکوک به پولشویی که ممکن است موضوع مقررات مذکور باشند و نهایتاً تدابیری که طبق قسمت (b) ۳۱۱ باید نسبت به آن‌ها اتخاذ شود، خزانه‌داری آمریکا با مشورت وزارت کشور و دادستان کل، عواملی را در نظر می‌گیرد که از یک سو سرزمینی بوده و مربوط می‌شوند به قلمرو قضایی کشور خاص و از سوی دیگر سازمانی هستند.

برای تشخیص و تصمیم در اینکه کدامیک از اقدامات پیش‌بینی شده باید نسبت به مورد مشکوک انجام شوند، خزانه‌داری نکاتی را مورد توجه قرار خواهد داد، از جمله

1. 311 (b) (1)
2. 311 (b) (2)
3. 311 (b) (5)

اینکه: آیا اقدام مشابهی به وسیله دیگر کشورها انجام شده یا در حال انجام است؟ آیا اتخاذ اقدامی خاص آثار سوء یا هزینه‌های نامعقولی را بر مؤسسات ایجاد شده در آمریکا تحمیل نخواهد کرد؟ و عکس‌العمل محتمل و تأثیر اقدامات متخذه بر امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا، چه خواهد بود؟

در قانون مذکور^۱ پیش‌بینی شده که مؤسسات مالی آمریکایی که در آمریکا برای یک خارجی حساب بانکی خصوصی یا کارگزاری افتتاح می‌نمایند، باید نهایت دقت را در کشف پولشویی در حساب‌های مذکور بنمایند. این مؤسسات مالی آمریکایی می‌توانند با اتخاذ تدابیر پیش‌بینی شده، به اطلاعات مفیدی در رابطه با مالکان بانک خارجی^۲، یا انجام معاملات مشکوک از نظر پولشویی و... دست یابند. همچنین در افتتاح یک حساب بانکی خصوصی به درخواست شخص خارجی، با کنترل‌های پیش‌بینی شده می‌توان به هویت مالک یا مالکان واقعی و منبع وجوه سپرده شده به چنین حسابی پی برد؛ برای مثال، احراز شود آیا در حسابی که به وسیله مقام ارشد سیاسی خارجی یا اقوام و شرکای وی گشوده شده، از وجوه حاصله از سوءاستفاده‌های مالی در کشور خارجی استفاده شده است یا نه؟^۳

ماده (۱) (I) (a) ۳۱۱ این قانون، حکم به ممنوعیت مؤسسات مالی آمریکایی برای افتتاح حساب کارگزاری به درخواست یک بانک خارجی که در هیچ کشوری حضور فیزیکی ندارد را داده است. به علاوه، مؤسسه مالی آمریکایی باید اطمینان حاصل نماید که حساب کارگزاری مفتوحه برای بانک خارجی جهت ارائه خدمات غیرمستقیم بانکی به دیگر بانک خارجی که در هیچ کشوری وجود ندارد، مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

ملاحظه می‌شود که قانون ضد تروریسم آمریکا الزاماتی را برای مؤسسات مالی

1. ۳۱۲ (a) (I) (۱)

2. ۳۱۱ (a) (I) (۲)

3. ۳۱۲ (a) (I) (۳)

آمریکایی مقرر داشته و بانک‌های خارجی که با بانک‌های آمریکایی معامله و ارتباط دارند، برای حفظ این رابطه می‌بایستی گواهی لازم مبنی بر رعایت موارد اشاره شده در این قانون را ارائه دهند. در واقع، الزام بانک‌های آمریکایی، عملاً موجب الزام بانک‌های مرتبط با آن‌ها نیز شده است. به‌علاوه، بانک‌های خارجی مرتبط با بانک‌های آمریکایی (بازهم در رابطه با الزامات قانون ضدتروریسم) موظفند در ارتباطات خود با دیگر بانک‌های خارجی تعهدات مشابهی را به آن‌ها تحمیل نمایند.

به موجب ماده (۱) (a) ۳۱۴ قانون مذکور، خزانه‌داری باید مقررات لازم برای تشویق همکاری بین مؤسسات مالی و مقامات اجرایی در رابطه با تبادل اطلاعات مربوط به اشخاص یا سازمان‌هایی که به دلیل معتبر و به‌نحو معقولی مظنون به دخالت در اعمال تروریستی یا فعالیت‌های پولشویی هستند را وضع نماید. حسب ماده (۵) (a) ۱۴، اطلاعات مؤسسه مالی تنها در ارتباط با فعالیت‌های یادشده مورد استفاده قرار خواهند گرفت و بدین ترتیب، مقررات مربوط به حفظ اسرار بانکی نیز نقض نمی‌شود.

از مقررات قابل ذکر دیگر این قانون، ماده ۳۲۶ است که تمام مؤسسات مالی را ملزم می‌کند هویت مشتریان خود را در زمان افتتاح حساب دقیقاً شناسایی کرده و اطمینان حاصل نمایند که نام شخص متقاضی در فهرست اشخاص مظنون و تروریست نیست. با این حال، رعایت چنین مقرراتی ممکن است برای بعضی مؤسسات سرمایه‌گذاری خصوصاً آن‌هایی که حساب‌های عمومی دارند، مشکل باشد. به‌علاوه، در رابطه با شرکت‌های سرمایه‌گذاری که سهام آن‌ها را از طریق شخص ثالث می‌فروشند، این سؤال پیش می‌آید که آیا شخص سرمایه‌گذار طرف حساب، شخص ثالث است یا شرکت سرمایه‌گذار یا هر دو. به همین دلیل، روند تشخیص هویت در مؤسسات مالی مختلف، ممکن است متفاوت باشد.

حسب ماده ۳۵۲ قانون ضدتروریسم آمریکا، تمام مؤسسات مالی باید ظرف مهلت تعیین‌شده برنامه‌ریزی لازم را برای اعمال قانون مذکور به‌عمل آورند؛ از جمله می‌بایستی رویه‌ها، سیاست‌ها و نظارت‌های داخلی خود را با این قانون هماهنگ

نمایند، شخصی را به عنوان مسئول اجرای این امر تعیین کنند، برنامه‌های آموزشی در این رابطه برای کارکنان خود ترتیب دهند و سیستم نظارتی مستقلی را برقرار نمایند. مسلماً هر مؤسسه مالی با توجه به ساختار و وضعیت خاص خود در این مورد اقدام خواهد نمود و به همین دلیل نیز حسب ماده (c) ۳۵۲، خزانه‌داری ملزم شده مشخص نماید که الزامات و مقررات قانون ضدتروریسم تا چه حد و چگونه با وضعیت خاص هر مؤسسه مالی مشمول این قانون سازگار است.

۵. لتونی

در لتونی قانون جلوگیری از عواید ناشی از فعالیت‌های جنایی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۷ تصویب و در ژوئن ۱۹۹۸ لازم الاجراء گردید. مطابق ترجمه غیررسمی این قانون، هدف از قانون مزبور جلوگیری از تطهیر عواید ناشی از فعالیت‌های تبهکارانه است. بدین منظور، این قانون حقوق و تکالیفی را برای نهادهای مالی مؤسسات اعتباری و فعالیت‌ها و عملکردهای نظارتی آنها مقرر می‌کند.

به علاوه، در این قانون تأسیس اداره جلوگیری از تطهیر عواید ناشی از فعالیت‌های تبهکارانه و یک شورای مشورتی پیش‌بینی شده است. اداره افشاء، نهادی است مستقل که تحت نظارت دادستانی کل لتونی عمل می‌کند. وظیفه این نهاد دریافت، جمع‌آوری، ثبت و تحلیل گزارش‌های دریافتی از مؤسسات مالی و اعتباری و اظهار نظر راجع به آنها و در صورت وجود دلایل قانع‌کننده‌ای حاکی از پولشویی کمک به مراجع قضایی و محاکم در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی است. به علاوه، اداره افشاء موظف به تحلیل اطلاعات و ارائه راهکارهای مناسب مؤسسات مالی و اعتباری و همکاری با مؤسسات دیگر دولتی است، اما از هیچگونه اختیار تعقیب برخوردار نیست و ظاهراً فاقد هرگونه اختیار ویژه‌ای برای جستجو و ضبط اموال و اختیارات مهم دیگر برای انجام تحقیقات است.

هدف شورای مشورتی نیز تقویت همکاری میان نهادهای دولتی در راستای

اهداف مقرر در قانون و ارائه راهنمایی لازم درخصوص شاخص‌های معاملات نامعمول و نیز ارائه پیشنهادهایی به اداره افشاء راجع به نحوه ایفای وظایفش به موجب قانون است. شورا دارای هشت عضو است که شش نفر از آن‌ها نماینده بخش خصوصی هستند.

۶. ژاپن

ژاپن نیز به موجب قوانین وضع شده در سال ۱۹۹۲، تحصیل یا مصرف سرمایه‌های غیرقانونی حاصله از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر را ممنوع اعلام کرده و ترتیبات خاصی را در این رابطه برای مؤسسات مالی و بانکی مقرر نموده و به‌علاوه توصیه‌های گروه مسئول «اجرای اقدامات مالی» به صورت بخشنامه به مؤسسات مذکور ابلاغ شده است. آخرین اقدام قانونی ژاپن در این زمینه، تصویب «قانون پیشگیری از انتقال عواید مجرمانه»^۱ است. گفتنی است، بانک‌های ژاپن از سوی مقامات خزانه‌داری آمریکا جهت انتقال پول به بانک‌های ایران تحت پوشش مبارزه با پولشویی، تحت فشار قرار دارند.^۲

۷. امارات متحده عربی و قطر

در امارات متحده عربی مقررات شدیدی موسوم به قانون ۲۴/۲۰۰ برای مبارزه با پولشویی وضع شده که به موجب آن هرکس هنگام افتتاح حساب باید اطلاعات کاملی حتی در امور مجرمانه خود ارائه دهد و اگر مبالغ هنگفتی به حساب شخصی واریز شود، باید مشخصات کامل واریزکننده، مشخص باشد. در قطر نیز مقرراتی تحت عنوان «عملیات ضربتی مالی برای جلوگیری از پولشویی» وجود دارد و کمیته ملی مقابله با پولشویی بر فعالیت بانک‌ها نظارت می‌کند.

1. Act on the Prevention of Transfer of Criminal Proceeds (Act No. 22 of 2007).

2. Tetsushi, Kajimoto, Japan drafts anti-money laundering bills under pressure from global watchdog, Reuters, Oct 9, 2014.

۸. فرانسه

حقوق کیفری فرانسه - قانون ۱۳ می ۱۹۹۶ - در ارتباط با پولشویی، اصل برائت را پذیرفته و اصل را بر مجرمیت قرار داده است. بند ۱ ماده ۳۹-۲۲۲ از قانون مذکور می‌گوید: «اگر شخصی نتواند منشأ مالی منطبق با طرز زندگی خود را در عین داشتن روابط معمولی با یک یا چند نفر که مواد مخدر مصرف می‌کنند یا در خرید و فروش مواد مخدر دست دارند یا سرمایه‌های نامشروع را تبدیل و پاک می‌کنند، توجیه کند، به حبس ۵ سال و پرداخت مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ فرانک محکوم می‌شود.»

۹. ایران

در قانون مبارزه با پولشویی مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶/۱۱/۲)، از جرم اصلی و مقدم بر پولشویی تحت عنوان «جرم منشاء» یاد شده (تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۹)، اما هیچ تعریفی از جرم مذکور ارائه نگردیده است. با این وجود، از مواد یک و دو قانون مرقوم به‌ویژه ماده ۲ مستفاد می‌گردد که تمام اعمال مجرمانه به‌عنوان «جرم اصلی» و بنا به تغییر به‌کار رفته در قانون، «جرم منشاء» قلمداد شده است. بنابراین، در لایحه مصوب مجلس شورای اسلامی، قلمرو جرم پولشویی بسیار موسع و گسترده بوده و فقط محدود به برخی از جرایم یا منحصر به جرایم شدید نمی‌باشد. لازم به ذکر است که در متن پیش‌نویس لایحه تهیه‌شده توسط هیئت دولت، برخی جرایم نظیر ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، فحشا، قمار، قاچاق مواد مخدر، ربا و سرقت به‌عنوان مصادیقی از جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی ذکر شده بودند، اما این احصاء تمثیلی در حین بررسی و تصویب در صحن علنی مجلس از متن لایحه حذف شده و لذا تمام اعمال مجرمانه به‌عنوان جرم اصلی و مقدم بر پولشویی پیش‌بینی گردیده‌اند.

در عین حال، ابهام در قانون مبارزه با پولشویی، باعث شده است تا آیین نامه اجرایی این قانون برخلاف اصول حقوق کیفری از قبیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اقدام

به جرم‌اتگاری و تعیین مصادیق رفتارهای مجرمانه نماید (شاگری، فتحی، ۱۳۹۲: ۱۳۶۳). در حالی که رویه‌های مبارزه با پولشویی در سایر کشورها مؤید این امر است که مبارزه با پدیده‌های اقتصادی مجرمانه هرگز نباید منجر به آسیب به سایر فعالیت‌های اقتصادی قانونمند شود. همچنین باید متذکر این نکته شد که اصل اباحه در اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از اصول بنیادین مطرح بوده و لذا توسعه اختیار هیأت وزیران و شورای عالی مبارزه با پولشویی در تعیین جرم و مجازات، خلاف این اصل می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در خصوص ارتباط بین «جرم پولشویی» و «جرم اصلی»، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا جرم پولشویی ماهیتاً جرمی مستقل می‌باشد یا اینکه در ادامه جرم اصلی ارتکاب یافته و قسمتی از آن محسوب می‌شود؟

در برخی از سیستم‌های حقوقی پیش‌بینی شده است که مرتکب جرم اصلی را نمی‌توان تحت عنوان معاونت یا مباشرت در پولشویی هم مجازات نمود، بلکه فقط مجازات جرم اصلی در مورد آن‌ها قابل اجرا خواهد بود. در این طرز تلقی، پولشویی ادامه و استمرار جرم اصلی قلمداد شده و به لحاظ عدم امکان تعیین دو مجازات برای جرم واحد، تحمیل مجازات پولشویی بر مرتکب جرم اصلی غیرممکن می‌باشد. در نتیجه چنین رویکردی، مرتکب جرم پولشویی همواره باید فردی غیر از مرتکب جرم اصلی باشد. اما این دیدگاه قابل دفاع نیست. عملی که مرتکب جرم اصلی با درآمدهای حاصل از جرم انجام می‌دهد، یک عمل جدید و علیحده است و به همین دلیل هم مستلزم کیفر جداگانه می‌باشد. از سوی دیگر، استناد به اینکه برای جرم واحد نمی‌توان دو مجازات تعیین کرد نیز مسموع نمی‌باشد، زیرا تطهیر اموال ناشی از جرم، یک جرم مستقل با جمیع ارکان و عناصر متشکله بوده و از این حیث با جرم اصلی کاملاً متمایز است (جزایری، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

در اغلب سیستم‌های حقوقی، جرم پولشویی، کاملاً مستقل از جرم اصلی است. از

این رو، اگر شخصی مرتکب جرم اصلی شود و سپس شخصاً اقدام به تطهیر عواید حاصل از آن جرم نماید، مرتکب جرایم متعدد شده است. در ماده ۳۱ قانون عدالت کیفری ایرلند از همین سیستم پیروی شده است. به موجب این ماده، چنانچه شخصی مرتکب جرمی شده و سپس شخصاً از طریق عملیات پولشویی عواید ناشی از جرم ارتكابی خود را تطهیر نماید، مرتکب دو جرم شده است: یکی جرم اصلی^۱ و دیگری جرم پولشویی. این نوع پولشویی را پولشویی اولیه^۲ می‌نامند. مستقل بودن جرم پولشویی از جرم اصلی ایجاب می‌کند که جرم پولشویی، صرف نظر از جرم اصلی، قابل تعقیب و مجازات باشد، هر چند مرتکب جرم اصلی بنا به دلائلی قابل تعقیب و کیفر نباشد.

به هر حال، بررسی و مطالعه در قانون مبارزه با پولشویی کشورها، ما را به این نتیجه می‌رساند که در خصوص تعیین و تعریف جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی چند راهکار جداگانه وجود دارد:

۱. بعضی از کشورها مفهوم بسیار مضیق از پولشویی را پذیرفته‌اند. در این کشورها، فقط جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر به عنوان «جرم اصلی و مقدم بر پولشویی» قلمداد می‌شود. کشورهای آنگولا و اوگاندا در زمره این کشورها قرار دارند.

۲. در برخی از کشورها، تمامی جرایم را می‌توان به عنوان جرم اصلی و مقدم بر پولشویی قلمداد نمود. در «قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۹۴ ایرلند»^۳ و «قانون پیشگیری و مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۹۹۶ قبرس»^۴ و همچنین در سیستم حقوقی جمهوری چک^۵، از چنین راهکاری تبعیت شده است. البته توسعه و تعمیم جرم پولشویی به تمام جرایم مولد منفعت مالی، قابل انتقاد است.

فلسفه جرم‌انگاری پولشویی، مقابله و مبارزه با جرایمی است که عواید کلان تولید

1. predicate offence
2. primary money laundering
3. Ireland: Criminal Justice Act (1994)
4. Cyprus: Prevention and Suppression of Money Laundering Activities Law (1996).
5. Czech Republic: Act on Measures Against Legalization of the Proceeds from Criminal Activity, (1998).

می‌کند. بنابراین، قرار دادن همه جرایم - هرچند جرایم خرد و کم‌اهمیت - در زمره جرایم اصلی، با فلسفه جرم‌انگاری پولشویی سازگاری ندارد. ازسوی دیگر، مهار و کنترل و مبارزه با پولشویی همواره مستلزم صرف هزینه‌های کلان است که در این صورت هم توسعه و تعمیم پولشویی به تمام جرایم - هرچند جرایم کوچک و کم‌اهمیت - به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌باشد.

۳. در برخی از کشورها، فهرست جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی در قوانین موضوعه احصاء شده است. هند^۱ و یونان^۲ از جمله این کشورها می‌باشند. کشورهایی که از این روش پیروی می‌کنند با یک مشکل جدی روبه‌رو هستند. این کشورها مجبورند به‌طور مرتب و پیوسته در فهرست جرایم اصلی تجدیدنظر نمایند و جرایم جدیدی را به این لیست اضافه کنند.

۴. بعضی از کشورها بر مبنای حداقل یا حداکثر مجازات قانونی یا براساس طبقه‌بندی مجازات‌ها یا معیار دیگری جرم اصلی را تعریف و توصیف نموده‌اند. در قانون پیشگیری از پولشویی مصوب سال ۲۰۰۳ کشور سنت لوسیا^۳، از این شیوه تبعیت شده است. به موجب این قانون، جرم اصلی به جرمی گفته می‌شود که با حداقل دوازده ماه حبس یا اعدام قابل مجازات می‌باشد. قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۹۳ انگلستان نیز با پیروی از چنین راهکاری جرم پولشویی را علاوه بر قاچاق مواد مخدر و تروریسم به همه رفتارهای جزایی قابل تعقیب با کیفرخواست تسری داده است.

قرار دادن همه اعمال مجرمانه در ردیف «جرم اصلی و مقدم بر پولشویی» و در نتیجه توسیع غیرضروری دامنه پولشویی حتی از لحاظ اقتصادی هم غیرقابل توجیه است و با فلسفه ظهور ایده جرم‌انگاری پولشویی نیز سازگاری ندارد، چراکه فلسفه

1. India: Prevention and Money Laundering Activities Law (1999).

2. Greece: Prevention and Combating the Legalization of Income from Criminal Activities Act (1996).

۳. سنت لوسیا، یک کشور جزیره‌ای کوچک در دریای کارائیب و در آستانه اقیانوس اطلس است که در جنوب جزیره مارتینیک از مستملکات ماوراء بحار فرانسه قرار دارد. این کشور در سال ۱۹۷۹ از بریتانیا استقلال یافت.

جرم‌انگاری پولشویی مقابله و مبارزه با جرایمی است که عواید کلان تولید می‌نمایند و به‌همین دلیل هم امروزه در اغلب اسناد و متون بین‌المللی مثل توصیه‌های چهل‌گانه (FATF)^۱، دستورالعمل سال ۲۰۰۱ شورای جوامع اروپایی و کنوانسیون پالمو و حتی مصوبات سازمان ملل متحد، نظیر اعلامیه سیاسی و طرح عمل مصوب سال ۱۹۹۸ میلادی، جرم اصلی و مقدم بر پولشویی، فقط به جرایم شدید محدود و منحصر گردیده است. از این رو، قانون مبارزه با پولشویی مصوب مجلس شورای اسلامی از این حیث قابل انتقاد است. برای رفع این ایراد، شایسته است که در قانون مذکور، همانند بسیاری از اسناد بین‌المللی جرایم اصلی فقط به جنایات شدید، از جمله جرایم سازمان یافته محدود و منحصر گردد.



۱. گروه اقدام مالی (FATF) در سال ۱۹۸۹ از سوی کشورهای گروه ۷ شکل گرفت و یک سازمان بین‌الدولی است که هدفش توسعه و پیشرفت واکنش بین‌المللی نسبت به مسئله پولشویی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. جزایری، مینا (۱۳۸۲)، *پولشویی و اثرات اقتصادی آن*، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، تهران: نشر وفاق.
۲. جویس، الیزابت (۱۳۸۲)، «سخنرانی نماینده دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در وین»، همایش مبارزه با پولشویی. شیراز.
۳. خمایی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۲)، مبارزه با پولشویی در بانک‌ها و مؤسسات مالی، نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی، ش ۲۹، ۲۸-۵.
۴. شاکری، ابوالحسن؛ فتحی، مرتضی (۱۳۹۲)، از اصل قانونمندی حقوق کیفری تا آئین‌نامه‌ای شدن آن، بررسی آئین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۸، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، ش ۴، ۱۶۴-۱۴۷.
۵. شاملو، باقر؛ مرادی، مجید (۱۳۹۲)، تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت گرای در جرم پولشویی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۷، ش ۸۱، ۱۵۹-۱۱۱.
۶. نورتون-روزف. جی، شمس هبا (۱۳۸۲)، *قانون پولشویی و تأمین منابع مالی تروریسم: واکنش‌های پس از ۱۱ سپتامبر*، مجله حقوقی، ترجمه محمد جواد میرفخرایی، ش ۲۹، ۲۵۶-۲۱۳.
۷. گلدوزیان، ایرج؛ عباسی، اصغر (۱۳۸۶)، *جرم‌انگاری پولشویی و گستره آن در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران*، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، ش ۴، ۲۲۷-۲۰۵.

ب. منابع لاتین

8. Pierre- Laurent, Chatain; Mc Dowell, John ; Mousset, Cedric; Schott, Paul Allan; Willebois, Emile van der Doe de (2010), Preventing Money Laundering and Terrorist Financing , The World Bank, Washington DC.
9. Alexander, R.C.H. (2016), Insider Dealing and Money Laundering in the EU: Law and Regulation, Routledge.
10. Unger, Brigitte (2014), Money Laundering in "Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice", Springer New York.